

بررسی علل مهاجرت نخبگان دانشگاهی از مازندران طی سال‌های ۱۳۷۰-۱۳۸۰

عباسعلی طالبی زیدی* و جمشید رضایی**

* عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد سوادکوه
** پژوهشگر صدا و سیما مرکز مازندران

چکیده

موضوع تحقیق حاضر مطالعه و بررسی علل مهاجرت نخبگان از مازندران طی سال‌های ۱۳۷۰ تا ۱۳۸۰ می‌باشد. پس از سال‌های فراگیر شدن موج سوم مهاجرت نخبگان از سال ۱۳۷۰ به بعد موضوع توسعه سرمایه انسانی نخبه و پیشگیری از مهاجرت آنها مورد توجه مدیران و تصمیم‌گیرندگان جامعه قرار گرفت. هدف پژوهش حاضر بررسی و شناسایی انگیزه‌های مهاجرت نخبگان و ارائه رهیافت‌های کاربردی در جهت حفظ و کنترل و بازگشت نخبگان می‌باشد. به منظور تحقق اهداف فوق شش فرضیه تدوین گردید. جامعه مورد مطالعه ما تحصیل‌کردگان از مقطع کارشناسی به بالا بوده است. برای تعیین حجم نمونه با توجه به بزرگ بودن جامعه و همچنین میزان تجانس خیلی بالای جامعه مورد مطالعه و امکانات و مقدرات و زمان محدودی که در اختیار بود و همچنین برای افزایش اعتبار پژوهش و معروف کردن نمونه عده‌ای را به صورت تصادفی انتخاب کرده ایم.

پژوهش حاضر مطالعه اسنادی - پیمایشی، ابزار گردآوری اطلاعات پرسشنامه و در بعضی از موارد مصاحبه و جامعه آماری شامل کلیه تحصیل‌کردگان و حجم نمونه ۱۰۰ نفر از مهاجرین تحصیل کرده می‌باشد. در تحلیل عوامل و انگیزه‌های مهاجرین سال، مدرک تحصیلی، عوامل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، توجه به پژوهش و جایگاه نخبگان مورد بررسی قرار گرفتند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که هرچه تفاوت فرصت‌های اقتصادی - رفاهی بین مناطق مختلف کشور بیشتر باشد، میل مهاجرت به کلان شهرها بیشتر می‌شود. همچنین بین مهاجرت نخبگان و فراهم شدن زمینه‌های پیشرفت و رسیدن به یک وضعیت مطلوب اقتصادی رابطه معنا داری وجود دارد. بر اساس نتایج به دست آمده مهاجرینی که تحصیلات عالی بالاتری دارند نسبت به سایر قشرها از تحرک جغرافیایی بیشتری برخوردارند. در میان راهکارهای بازگشت، حمایت اساسی از محققان و برآورده کردن نیازهای اساسی آنها بالاترین نقش را در بازگشت آنها دارد.

واژه‌های کلیدی: نخبگان، مهاجرت، متغیرهای اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی

مقدمه

مهاجرت نخبگان که اغلب با عنوان فرار مغزها از آن یاد می‌شود، هر چند مسأله‌ای تاریخی بوده و سابقه‌ای دیرینه داشته، اما عمدتاً از اوایل دهه ۱۹۶۰ همچون یک پدیده اجتماعی مورد توجه و چاره‌اندیشی قرار گرفته است. (خلیلی، ۱۳۸۰، ۵۷۳). دامنه این پدیده هر چند محدود به کشورهای خاصی نبوده و گستره‌ای جهانی داشته، اما اغلب در ارتباط با کشورهای توسعه نیافته یا در حال توسعه از آن سخن به میان آمده و به دلیل همین ارتباط همنشینی و همزمانی (با مفهوم توسعه) بوده که سخن از فرصت‌ها و تهدیدهای فرار مغزها مفهوم یافته است. به عبارتی این پدیده به خودی خود نه از دست دادن فرصتی در خود نهفته داشته و نه ایجاد تهدیدی؛ اما از آن هنگام که با توسعه همنشینی و همزمانی یافته امکان فرصت و تهدید آن معنادار شده است. براین اساس در مورد جامعه ما (استان مازندران) به مثابه ی جامعه‌ای در حال گذار و دست به گریبان چنین پدیده‌ای، سوال این است که علل وقوع و دلایل اهمیت مهاجرت نخبگان چیست؟ فرصت‌ها و تهدیدهای این پدیده در ارتباط با فرآیند توسعه کدامند؟ برای تبدیل تهدیدهای آن به فرصت از چه راهکارهایی می‌توان بهره گرفت؟ استان مازندران به لحاظ تبدیل وسعت جغرافیایی، منابع جمعیتی، پیشینه تاریخی و کشش اقتصادی، امکانات و فرصت‌هایی برای انجام یک جهش توسعه‌ای و گذر از عقب‌ماندگی را در اختیار داشته و در مقطعی از تاریخ نیز نسبت به سایر استان‌ها چنین رشدی را تجربه کرده بود؛ اما به نظر می‌رسد در دهه اخیر امکانات و فرصت‌ها تجسم عینی پیدا نکرده و توسعه یافتگی در استان وجود خارجی نیافته است. به نظر می‌رسد هر چه تفاوت فرصت‌های اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و تسهیلات رفاهی بین مناطق مختلف کشور بیشتر باشد میل به مهاجرت هم بیشتر می‌باشد. امروزه مهاجرت نخبگان و ابعاد گسترده آن در بین اقشار گوناگون در مازندران به یک مسئله اجتماعی تبدیل شده است و تاکنون تحقیقات توصیفی زیادی که درباره علل مهاجرت صورت گرفته گویای این مطلب است که نخبگان در وهله اول به دلایل اقتصادی مهاجرت

می‌کنند. امروزه ضرورت پرداختن به مسایل و مشکلات شهری و توجه به پدیده مهاجرت که روز به روز مسایل و مشکلات شهری را پیچیده تر می‌سازد حایز اهمیت است. هدف عمده این تحقیق: ۱. مطالعه و بررسی علل مهاجرت نخبگان طی سال‌های ۸۰-۱۳۷۰. ۲. بررسی پیامدهای ناشی از مهاجرت و ارائه راهکار برای بازگشت نخبگان است.

گرچه مساله مهاجرت نخبگان علمی پدیده‌ای تازه و نوظهور نیست؛ با این حال، از چند دهه پیش ابعاد آن گسترده تر و کمیت و کیفیت آن تغییر یافته است. در حال حاضر یکی از حادثترین مسایل و مشکلات مناطق در حال توسعه مهاجرت نخبگان و به طبع آن کمبود نیروی انسانی کارآمد است.

نیروی انسانی کارآمد از اجزای توسعه پایدار است و تجربه نشان داده است که نگهداری و حفظ این نیروها اگر از تربیت آنها مشکل تر نباشد، آسان تر نیست.

نخبگان با استفاده از عقل و درایت خویش، با مدیریت منابع و استفاده صحیح از آنها مهم ترین نقش را در توسعه و رشد یک کشور دارند. (ازغندی، ۲۷۶، ۴). مساله تاثیر مستقیم نیروی انسانی نخبه بر توسعه کشورها سال‌ها است مورد توجه جدی قرار گرفته و به موازات آن حساسیت کشورها بر مهاجرت این قشر فزونی یافته است.

استان مازندران با توجه به شرایط اقلیمی، مهد بسیاری از نخبگان است. اما مهاجرت و عدم حضور آنها آسیب جدی بر توسعه استان وارد کرده است، به طوری که با وجود امکانات بالقوه آن گونه که شایسته است، توسعه پیدا نکرده است.

در واقع مساله اساسی در این پژوهش پاسخ دهی به این سوالات است:

۱. اثرات اقتصادی و اجتماعی مهاجرت دانشگاهی چیست؟
۲. کدام عوامل مهاجرت نخبگان را تحت تاثیر قرار می‌دهد؟
۳. آیا مهاجرت نخبگان ریشه اقتصادی یا اجتماعی دارد؟

فرضیه‌های تحقیق

در این پژوهش ۶ فرضیه مطرح گردید. این فرضیه‌ها به بررسی وجود یا عدم وجود رابطه معنا دار میان متغیر مستقل و متغیر وابسته می‌پردازد. متغیرهای مستقل از نظریه‌های مورد استفاده به دست آمده اند. متغیر وابسته نیز علل گرایش به مهاجرت را نشان می‌دهد.

۱. منافع اقتصادی منجر به افزایش مهاجرت نخبگان دانشگاهی از مازندران به کلان شهرها شده است؛

۲. جذب و کارگیری مسئولین غیر بومی در استان مازندران منجر به افزایش مهاجرت نخبگان شده است؛

۳. عدم تفاهم و رقابت میان نخبگان و مدیران منجر به افزایش مهاجرت طی سال‌های ۱۳۸۰-۱۳۷۰ شده است؛

۴. بی توجهی مدیران به کارکرد نخبگان میل به مهاجرت نخبگان را افزایش داده است؛

۵. میان مهاجرت نخبگان و فراهم شدن زمینه‌های پیشرفت ارتباط مستقیم وجود دارد.

۶. بین دست یابی به حوزه‌های پژوهشی برتر و افزایش مهاجرت رابطه معنا داری وجود دارد.

ادبیات تحقیق و مبانی نظری

بین مفاهیم مهاجرت و فرار مغزها نسبت و رابطه منطقی عموم و خصوص مطلق وجود دارد، بدین معنا که مهاجرت مفهومی عام که فرار مغزها تنها یکی از اشکال آن است. هنوز برای مهاجرت تعریف یگانه‌ای که مورد قبول همه باشد، در دست نیست. علت فقدان یک تعریف کاملاً عملیاتی این است که مهاجر از متن‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی مختلفی بر می‌خیزد، رسیدن به یک توافق مفهومی را مشکل می‌کند. (عسکری، کامینگز، ۱۳۷۶: ۸). تفاوت در متن و زمینه مهاجرت و یا فضایی که مهاجرت در آن صورت می‌گیرد، محققین را با انواع متغیرها رو به رو می‌سازد و این به نوبه خود دستیابی به تعریف را با چالش روبرو می‌سازد. بر اساس تعریف سازمان ملل متحد، مهاجر کسی است که به کشوری به غیر از کشورهایی که تابعیت آن را دارا می‌باشد وارد شده و حداقل ۱۲ ماه در آن اقامت گیرند. (Iom, 2008, 7). هر چند که تعریف آماری سازمان ملل که به عنوان یک منبع

کم و بیش توسط پژوهشگران امور مهاجرت مورد استفاده قرار گیرد، ولی تعریف مهاجرت، مخصوصاً در چارچوب‌های حقوقی، ممکن است از کشوری به کشور دیگر تغییر کند. مهاجرت دارای دو وجه جغرافیایی و انسانی است. (فیندلی: ۱۳۷۲، ۸۰). در وجه جغرافیایی مهاجرت، حرکت فرد یا دسته‌ای از انسان‌ها از یک واحد جغرافیایی به واحد جغرافیایی دیگر است. واحد جغرافیایی جدید محل تولد مهاجر نیست و مهاجر قصد دارد به شکل دائمی یا موقت در آن اسکان گزیند. در وجه انسانی در تعریف مهاجر بر داوطلبانه بودن و شخصی بودن تصمیم به جابه‌جایی و اقامت در مکان دیگر مد نظر قرار می‌گیرد.

نظریه مهاجرت متعدد بوده و در یک دسته بندی عام که بتوان مورد اجماع همگان باشد وجود ندارد. (زنجانی: ۲۵، ۱۳۸۰). اما ارایه این نظریات در کنار یکدیگر می‌تواند امکان تلفیق و ترکیب عناصر و مفاهیم سازگار آنان را فراهم نموده و ما را در دستیابی به نظریه جامع تریاری رساند. عده‌ای مهاجرت نخبگان را در چارچوب اقتصاد آزاد تحلیل می‌کنند و سعی دارند که با اصل اقتصادی عرضه و تقاضا فرآیند مهاجرت را تبیین نمایند. (Iom, 2003). در این نظریه مهاجرت به دلیل توزیع نابرابر سرمایه اعم از (سرمایه انسانی یا سرمایه مادی) و به تبع آن تفاوت در سطح و میزان دستمزدهای به وجود می‌آید. اورت لی مهاجرت را به تغییر دائمی یا نیمه دائمی مسکن، بدون هیچ محدودیتی در مورد فاصله حرکت و ماهیت اختیاری یا اجباری را عنوان کرد. بر اساس تئوری دافعه و جاذبه لی (Lee) چهار دسته از عوامل مربوط به مبدأ، مقصد، بین راه و عوامل شخصیتی بر مهاجرت تأثیر مستقیم دارد. (Lee, 1966). یعنی زمانی که تقاضا برای تخصص آنها در مبدأ کم ولی در مقصد فراوان باشد، مهاجرت شکل اجباری پیدا می‌کند و بسیاری از مهندسان و اساتید دست به مهاجرت می‌زنند. (لهسایی زاده، ۱۳۶۸).

تئوری بحران منزلتی مهاجرت را محصول رویکرد نخبگان به شأن و منزلت اجتماعی خود در جامعه معرفی می‌کند. منزلت اجتماعی به جنبه عینی که به رفاه و معیشت و سبک زندگی و میزان برخورداری آنها از مواهب

شناسایی و توجه ویژه قرار داد، زیرا مهاجرت یک امر گزینشی است. این امر نشان می‌دهد که عده‌ای به شاخصه‌ها و عوامل مثبت در مبدأ واکنش نشان داده و قابلیت‌های متفاوتی در کاهش موانع موجود از خود نشان می‌دهد. (Lee, 1969). از آنجایی که هر تئوری بخشی از واقعیت را در بر می‌گیرد نه همه را (رفیع پور، ۱۳۶۰) و به‌کارگیری تئوری‌های مختلف و ترکیب آنها با یکدیگر این امکان را به پژوهشگر می‌دهد تا از زوایای بیشتری از مسأله را مورد بررسی و آزمون قرار دهد. (طباطبایی - شریفی، ۴۱، ۱۳۸۵) در مجموع تئوری جاذبه و دافعه لی به دلیل فراگیری و شمولی که دارد می‌تواند همه نظریات یاد شده را در خود جای دهد. از طرفی برخی از رویکردهای ذکر شده مانند بازار کار دوگانه یا تقسیم بندی دارندروف از نخبگان به گروه‌های مختلف توانسته‌اند محقق را در رسیدن به هدف یاری رسانند.

پیشینه تحقیق:

باید اذعان داشت که تحقیقات انجام شده مربوط به مهاجرت نخبگان هر چند به صورت اندک، ولی به صورت پراکنده در استان مازندران انجام شده است که در این مبحث به تعدادی از آن‌ها اشاره می‌نماییم.

تحقیق «جمشید رضایی» تحت عنوان «علل مهاجرت نخبگان مازندران». محقق سرمایه انسانی را جزء جدایی ناپذیر توسعه اقتصادی و اجتماعی معرفی می‌کند که مهاجرت آنها منجر به خلأ نیروی انسانی نخبه و در نهایت به مخاطره افتادن برنامه توسعه استان مازندران خواهد شد.

تحقیق دیگر که از اعتبار و روایی بالاتری برخوردار است، پژوهش احمد میری درباره (آسیب شناسی رفتار نخبگان) است. محقق نخبگان را به خاطر توانایی تاثیرگذاری بر ساختار عملکرد نظام، پویای تحولات و توسعه جامعه نقش انکار ناپذیری دارند. وی قسمت عمده توسعه نیافتگی هر جامعه را وابسته به رفتار و عملکرد نخبگان هر منطقه می‌داند، زیرا آن‌ها کانون قدرت و کلید توسعه را در اختیار دارند.

یکی دیگر از تحقیقات دانشگاهی در این زمینه توسط

و مزایای اجتماعی و جنبه ذهنی و ادراکی آن به برداشت نخبگان و جامعه از شأن و منزلت و جایگاه آنان اشاره دارد تقسیم می‌شود و حتی چالش منزلت نخبگان هم اکنون در دستور کار مدیران عالی رتبه و نظام بوروکراسی ناکارآمد قرار گرفت. (ذاکر صالحی، ۱۳۸۳: ۱۹۷). مسی بازار کار دوگانه برای مهاجرت نخبگان را مطرح می‌کند. این رویکرد مهاجرت نخبگان دانشگاهی را ناشی از تقاضای درونی نیروی کار در مناطق صنعتی پر تحرک می‌داند. در واقع، مهاجرت به خاطر فشار درونی در مناطق مهاجر فرصت نیست بلکه عوامل کشش موجود در مناطق به وجود می‌آید. (مسی، ۱۳۶۴: ۹۴؛ smith 1995). منگام وشوارز ولر معتقدند که مهاجران بر اساس مراتبی از ارزش‌ها یا هدف‌های با ارزش برای مهاجرت تصمیم می‌گیرد؛ وقتی وضعیت اجتماعی موجود نتواند نیازهای فرد را در حداقل مقادیر برآورده کند، نخبگان فکر حرکت را به مناطق دیگر در سر می‌پروراند. اگر فرد گرایش بیشتری به مهاجرت خواهد داشت. رالف درندروف با تقسیم نخبگان به طیف‌های مختلف کارکردهای متفاوتی را برای آنها طرح نمود که هر کدام از آنها کار ویژه‌های خاصی را با توجه به حوزه‌های تخصصی و شأن و منزلت اجتماعی شان بر عهده دارند. (بشیریه: ۱۳۷۴، ۶۹)

رویکرد دیگر که نخبگان را تحت عنوان سرمایه انسانی معرفی می‌کند این رویکرد با تلقی مهارت و تخصص انسان به عنوان کالایی در بازار عرضه و تقاضای کار به تحلیل مهاجرت می‌پردازد. (Meyer, 1999). نقطه عزیمت این تحلیل آن است که نیروی انسانی با دانش برای افزایش زمان و بهره‌مندی بیشتر از عواید مادی و دستیابی به یک موقعیت شغلی بهتر به جایی دیگر مهاجرت می‌کند تا بیشترین بازدهی را داشته باشد. (ارشادی، ۱۳۸۰: ۴۸). جانسون مهاجرت را فرآیندی می‌داند که دو نظام مبدأ و مقصد را با یکدیگر پیوند می‌دهد و این فرآیند اجتماعی و روانی بر تصمیم‌گیری فرد مهاجر نافذ است. (jansen, 1969). از دیدگاه لی (lee) هیچ‌گاه نمی‌توان مجموعه دقیق عواملی که فرد را مجبور به مهاجرت یا از آن منع می‌کند، احصا نمود؛ اما می‌توان آنهایی که از اهمیت بیشتری برخوردارند و یا به لحاظ کمی قابل اندازه‌گیری‌اند را مورد

انجام پذیرفت. این تعداد به شکل تصادفی متناسب با حجم و نیز با استفاده از فرمول حجم انتخاب شده اند. به منظور انتخاب مناطقی از کشور که بتوانند معرف خوبی برای سایر مناطق مختلف با توجه به تفاوت موجود میان آنها باشد، در ابتدا شهرهای فوق را با توجه به اهمیت و میزان مهاجرت پذیری نخبان انتخاب شده اند. این پراکندگی مناطق پراکنش متغیرهای تحت مطالعه تا حد قابل ملاحظه‌ای تامین می‌کند. جهت انتخاب تصادفی افراد به تعداد افراد پرسشگر، پرسشنامه تکثیر و در اختیار آنها قرار گرفت. پرسشنامه با ۲۵ گویه با مقیاس ۵ درجه‌ای لیکرت که پس از سنجش روایی و اعتبار آن تهیه شده است و مهاجران با انتخاب یکی از پنجگانه میزان موافقت خود را با هر یک از گویه‌ها مشخص نمودند. توصیف اطلاعات به دست آمده به وسیله جدول فراوانی، درصد، میانگین انحراف معیار و ضریب همبستگی خی دو تجزیه و تحلیل شده است.

تعریف مفاهیم و نحوه سنجش متغیرها

به منظور سنجش هر یک از متغیرهای مطرح در سوالات اساسی پژوهش، سوالات و گویه‌های مناسب طراحی و با آزمون‌های آماری مورد بررسی دقیق قرار گرفته‌اند. در بررسی متغیر مهاجرت، طول مدت اقامت در شهر تهران و مبدأ مهاجرت مهاجرین مد نظر قرار گرفته است. پاسخگویی بر اساس زمان مهاجر در چهار گروه از صفر تا ده سال دسته بندی شده اند.

در بعد کسب منافع اقتصادی مهاجرین را به چند گروه با انگیزه‌های مختلف مورد بررسی قرار گرفته است منظور از منافع اقتصادی مسائل درآمدی و معیشت مهاجرین در شهرهای مبدأ می‌باشد که با مهاجرت و اسکان خود در آن شهرها با آرایه تخصص‌های خود به وضعیت شغلی خود سرو سامان دهند.

در بعد دست یابی مهاجرین به فراهم شدن زمینه‌های پیشرفت در حوزه‌های تحصیلی خود و فرزندان شان آنها به چند گروه تقسیم نموده ایم و میزان فراوانی افراد و شیوه‌های تماس آنها با مبدأ مهاجرین با هم مطرح می‌باشند. منظور از فراوانی تماس دفعات ارتباطی است که

محسن آشتیانی دانشجوی دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن در مقطع کارشناسی ارشد ۷۸-۱۳۷۷ انجام شده و هدف محقق شناسایی و بررسی نگرش مهاجرت معلمین به تهران بود که عوامل و موانع جذب را در دو حوزه اقتصادی و فرهنگی بررسی نمود.

نخبگان به خاطر توانایی تأثیر گذاری بر ساختار عملکرد نظام، پویای تحولات و توسعه جامعه نقش انکار ناپذیر دارند. سهم زیادی از توسعه نیافتگی هر جامعه وابسته به رفتار و عملکرد نخبگان همان منطقه است؛ زیرا کانون‌های قدرت و کلید توسعه را در اختیار دارند. نیروی انسانی کار آمد یکی از مهم ترین اجزای توسعه پایدار است. تجربه نشان داده است که نگهداری و حفظ آنها اگر از تربیت آنها مشکل تر نباشد، آسان تر نیست. هاربیسون (Harbison, 1973, 3) و بانک جهانی در مطالعات خود در میان ۱۹۲ کشور جهان، رشد و توسعه این کشورها را بیش از سرمایه فیزیکی و طبیعی مربوط به سرمایه انسانی تحصیل کرده اعلام کرده است که مهاجرت آنها باعث تنزل سطح مورد نیاز سرمایه انسانی و در نتیجه کاهش تولید و برنامه توسعه کشور را به مخاطره می‌اندازد. (وقوفی، ۱۳۸۰، ۱۲۹).

مواد و روش‌ها

پژوهش حاضر از روش اسنادی- پیمایشی (survey) بهره برده است که به بررسی علل مهاجرت نخبگان از مازندران می‌پردازد و ابزار آن نیز پرسشنامه همراه با مصاحبه می‌باشد. جامعه آماری این پژوهش کلیه مهاجرین تحصیل کرده از کارشناسی تا دکترای استان مازندران طی سال‌های ۱۳۷۰ تا ۱۳۸۰ به استان‌های (تهران، اصفهان، کاشان، مشهد، سمنان) می‌باشد که اکنون در مراکز علمی، تحقیقاتی، تولیدی وزارت خانه‌های مختلف مشغول فعالیت‌اند می‌باشد. حجم نمونه در تحقیق حاضر، بر اساس سطح اطمینان ۹۵ درصد و با خطای نمونه گیری ۵٪، ۴۰۰ در نظر گرفته شده است. پس از جمع آوری داده‌ها بیست مورد از پرسشنامه‌های خدشه‌دار حذف شده و تحلیل نهایی بر اساس نمونه ۱۰۰ موردی

(۱۲٪) مربوط به مهاجرینی است که بین (۲-۰) سال است که به این شهر آمده‌اند پاسخگویان بر حسب طول مدت اسکان در این شهرها به چهار گروه صفر تا ده سال تقسیم شده‌اند. جدول شماره (۲) بر اساس نتایج به‌دست آمده، میزان مهاجرت‌ها از دهه ۷۰ با شروع دوره سازندگی و نیاز مبرم به تخصص‌های مختلف و همچنین گرایش قشر جوان دست‌یابی به حوزه‌های پژوهشی و در نهایت اشتغال افزایش یافته است، که البته در این زمینه تمرکز امکانات و تسهیلات آموزشی دانشگاهی بهداشتی و تفریحی نیز مزید بر علت بوده است.

درصد	فراوانی	زمان مهاجرت
۴۳٪	۴۳	۹-۱۰ سال
۲۳٪	۲۳	۶-۸
۲۲٪	۲۲	۳-۵
۱۲٪	۱۲	۰-۲
۱۰۰٪	۱۰۰	مجموع

نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌ها

به کمک آزمون همگرایی χ^2 (خی دو) با ۹۹٪ اطمینان نتایج زیر به‌دست آمده است.

فرضیه‌ها

- مهاجرت نخبگان دانشگاهی مازندران به سایر استان‌ها با هدف منافع اقتصادی و فرصت‌های شغلی مناسب صورت می‌گیرد؛ با استفاده از آزمون χ^2 مورد بررسی قرار گرفت و با ۹۹٪ اطمینان تأیید شد که رضایی هم به همین نتیجه رسیده بود.

- ایجاد مراکز علمی و صنعتی و افزایش سرمایه‌گذاری ملی در حوزه‌های پژوهش در مازندران بر کاهش مهاجرت نخبگان تأثیر مستقیم دارد؛ با استفاده از آزمون χ^2 مورد بررسی قرار گرفتند و با ۹۹٪ اطمینان تأیید شد. این فرضیه در پژوهش رضایی نیز تأیید شده است.

- جذب و به‌کارگیری مسئولین غیر بومی در استان مازندران بین سال‌های (۱۳۷۰-۱۳۸۰) باعث مهاجرت نخبگان شده است؛ با استفاده از آزمون همگرایی χ^2 با ۹۹٪ اطمینان تأیید شد. این فرضیه در پژوهش رضایی

افراد با هریک از حوزه‌های تحصیلی دارند و این که هر چند وقت یک بار با آن‌ها در تماس و ارتباط می‌باشند. در بعد کارکردی عدم تفاهم و رقابت میان نخبگان و مدیران در سطح استان مازندران می‌باشد. از مهاجرین درباره عدم همکاری، کمک‌های مالی در خصوص اجرای پروژه‌ها و کمک در زمینه‌های اسکان و عدم همکاری با آنها در حوزه‌های مشاوره مورد سوال قرار گرفته است. این گویه‌های به صورت طیف لیکرت و با گزینه‌های خیلی زیاد تا خیلی کم مطرح شده‌اند.

مبدأ مهاجرت

حدود ۵۰ درصد از مهاجرین تحصیل کرده استان مازندران به تهران مهاجرت کرده‌اند که در این بین مهاجرت از شهرهای استان به اصفهان (۲۰٪)، مشهد (۱۵٪)، کاشان (۱۰٪) و سمنان (۱۵٪) بیشترین تعداد فراوانی را دارا می‌باشد. می‌توان گفت وجود سازمان‌های مختلف و فراهم شدن زمینه‌های پیشرفت عامل مهم در جذب مهاجرین دانشگاهی به شهر تهران بوده است. همچنین بررسی مبدأ مهاجرت همسران بیان‌گر آن است که مهاجرین ترجیح داده‌اند که فقط بخاطر بومی بودن همسران شان دست به مهاجرت نزنند.

توزیع پاسخگویان برحسب مبدأ مهاجرت

درصد	فراوانی	مبدأ مهاجرت
۵۰٪	۵۰	تهران
۲۰٪	۲۰	اصفهان
۱۵٪	۱۵	مشهد
۱۰٪	۱۰	کاشان
۵٪	۵	سمنان
۱۰۰٪	۱۰۰	مجموع

طول مدت اسکان و زمان مهاجرت

یکی از مسائل در فرآیند مهاجرت اسکان و جابجایی می‌باشد. بر اساس نتایج به‌دست آمده طول مدت اسکان در تهران و سایر شهرها بین یک تا ۱۰ سال در نوسان می‌باشد. بیشترین درصد (۴۳٪) مربوط به کسانی که بین (۹-۱۰) سال در تهران سکونت دارند و کمترین میزان

نیز تأیید شده است.

- بین مهاجرت و فراهم شدن زمینه‌های پیشرف ارتباط مستقیم وجود دارد؛ با استفاده از آزمون χ^2 و با ۹۹٪ اطمینان تأیید شد و کمترین میزان پراکندگی و انحراف معیار ۰/۶۹۸ = ۶ و با واریانس ۰/۴۸۷ = ۴ مورد تأیید قرار گرفت.

- عدم تفاهم و رقابت نیروهای بومی استان باعث مهاجرت نخبگان شده است؛ با استفاده از آزمون χ^2 مورد بررسی قرار گرفت و با اطمینان ۹۹٪ تأیید شد. رضایی نیز در پرسش مشابه به همین نتیجه رسیده است. - بی توجهی مدیران بومی به نخبگان تحصیل کرده استان باعث مهاجرت آنها شده است؛ با استفاده از آزمون همگرایی χ^2 و با ۹۹٪ اطمینان تأیید شد. رضایی نیز در پژوهش قبلی به همین نتیجه دست یافته بود.

(جدول شماره ۱):

انحراف معیار Q	واریانس Q	مد M	میانۀ m	میانگین	N	گزینه‌ها					ردیف
						کاملاً موافق	موافق	بی تفاوت	مخالف	مخالف کاملاً	
۱/۲۱۹	۱/۴۷۸	۴	۳	۳/۳۷	۱۰۰	۱۷	۳۸	۲۰	۱۵	۱۰	۴
۱/۲۶۶	۱/۵۰۵		۴	۳/۶۴	۱۰۰	۳۲	۲۵	۲۴	۱۳	۶	۵
۱/۲۵	۱/۷۵۷	۴	۴	۲/۶	۱۰۰	۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲	۶
۱/۴۰	۱/۳۰۰	۴	۴	۳/۷۵	۱۰۰	۲۵	۵۰	۵	۱۵	۵	۷
۱/۴۲	۱/۰۸۷	۴	۴	۳/۷۳	۱۰۰	۱۵	۶۵	۵	۸	۷	۸
۱/۱۲۲	۱/۲۶۰	۴	۴	۳/۹۵	۱۰۰	۳۵	۴۵	۵	۱۰	۵	۹
۰/۶۹۸	۰/۴۸۷	۴	۴	۴/۲۴	۱۰۰	۳۵	۵۸	۳	۴	-	۱۱
۰/۹۶۲	۰/۹۲۷	۴	۴	۳/۸۹	۱۰۰	۲۴	۵۵	۱۰	۸	۳	۱۶
۱/۱۵۶	۱/۳۳۸	۴	۴	۳/۵۷	۱۰۰	۲۲	۴۱	۱۳	۲۰	۴	۱۷
۱/۰۶۸	۱/۱۴۱	۲	۲	۲/۴۸	۱۰۰	۵	۱۷	۱۱	۵۵	۱۲	۱۸
۰/۸۰۵	۰/۶۴۸	۴	۴	۴/۲۴	۱۰۰	۴	۵۰	۵	۴	۱	۱۹
۰/۷۸۳	۰/۶۱۳	۴	۴	۴/۲۵	۱۰۰	۴۰	۵۰	۶	۳	۱	۲۰
۰/۹۲۱	۰/۸۴۸	۴	۴	۴/۲	۱۰۰	۴۰	۵۰	۴	۲	۴	۲۱
۰/۷۳۶	۰/۵۴۳	۴	۴	۴/۳۲	۱۰۰	۴۳	۵۰	۴	۲	۱	۲۲
۰/۷۵۸	۰/۵۷۴	۴	۴	۴۳	۱۰۰	۴۳	۴۸	۶	۲	۱	۲۳
						۴۲۵	۶۶۲	۱۴۲	۱۸۳	۸۸	جمع
						%۲۸/۳	%۹/۴	%۹/۴	%۱۲/۲	%۵/۸	درصد

کاملاً مخالف = ۱، مخالف = ۲، بی تفاوت = ۳، موافق = ۴ و کاملاً موافق = ۵

(جدول شماره ۲):

انحراف معیار Q	واریانس Q	م M	میانهم m	میانگین X	N	گزینه‌ها					
						خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	ردیف
۱/۲۸۲	۱/۶۴۶	۵	۴	۳/۸۲	۱۰۰	۹	۷	۱۷	۲۷	۴۰	۲
۱/۰۰۳	۱/۰۰۶	۴	۴	۳/۹۴	۱۰۰	۴	۵	۱۴	۴۷	۳۰	۱۰
۰/۹۵۱	۰/۹۰۶	۵	۴	۴/۲۷	۱۰۰	۳	۳	۸	۳۶	۵۰	۱۲
۰/۸۵۸	۰/۷۳۷	۵	۵	۴/۳	۱۰۰	۰	۴	۱۴	۳۰	۵۲	۱۳
۰/۸۵۸	۰/۷۳۷	۵	۵	۴/۳	۱۰۰	۰	۴	۱۴	۳۰	۵۲	۱۴
۰/۹۶۷	۰/۹۳۶	۲	۲	۲/۱۵	۱۰۰	۳۱	۳۲	۲۸	۹	۰	۱۵
۰/۸۱۴	۰/۶۶۳	۴	۴	۳/۹۴	۱۰۰	۱	۲	۲۴	۴۸	۲۵	۲۴
۰/۹۶۲	۰/۹۲۷	۴	۴	۳/۸۹	۱۰۰	۴۸	۵۷	۱۱۹	۲۲۷	۲۴۹	جمع
					۱۰۰	%۶/۸	%۸/۱	%۱۷	۳۲/۴ %	%۳۵/۵	درصد

خیلی زیاد = ۵، زیاد = ۴، متوسط = ۳، کم = ۲، و خیلی کم = ۱

گویه با مقیاس ۵ درجه‌ای لیکرت که آزمودنی‌ها بعد از سنجش روایی و اعتبار آن با انتخاب یکی از درجات پنجگان لیکرت میزان موافقت خود را با هر یک از گویه‌ها مشخص نمودند. توصیف اطلاعات به وسیله جدول فراوانی و فنون ترسیمی انجام شده و تحلیل و استنباط آماری آزمون کی دو، ضریب همبستگی مورد استفاده قرار گرفت. از میان پرسش‌های به عمل آمده بیشترین پراکندگی پاسخ‌ها مربوط به پرسش "۶" (مهاجرت به منظور انتخاب همسر) با واریانس $\bar{\sigma} = 1/757$ و انحراف معیار $\bar{\sigma} = 1/325$ و کمترین پراکندگی پاسخ‌ها مربوط به سوال شماره "۱" (مهاجرت با هدف فراهم شدن زمینه‌های پیشرفت) با واریانس $\bar{\sigma} = 0/487$ و انحراف معیار $\bar{\sigma} = 0/698$ می‌باشد.

ارقام فوق نشان می‌دهند که بیشترین اختلاف نظر آزمودنی‌ها در مورد علل مهاجرت به منظور انتخاب همسر و بیشترین اتفاق نظر بر روی عامل مهاجرت با هدف فراهم شدن زمینه‌های پیشرفت می‌باشد. عامل پیشرفت و دستیابی به وضعیت معیشتی بهتر و امکان ادامه تحصیل از نظر آزمودنی‌ها تأثیر گذار ترین عامل مهاجرت بوده است.

ارقام فوق واقعیت‌های زیادی را برای محقق روشن ساخت که کمترین پراکندگی پاسخ‌ها مربوط به گویه شماره "۱۱" (فراهم شدن زمینه‌های پیشرفت) می‌باشد.

از مجموع ۲۲۰۰ پاسخ دریافت شده در جدول شماره ۱ و ۲، ۸۸ پاسخ کاملاً مخالف، ۱۸۳ پاسخ مخالف، ۱۴۲ پاسخ بی تفاوت، ۶۲۲ پاسخ موافق، ۴۴۵ پاسخ کاملاً موافق، ۴۸ پاسخ خیلی کم، ۵۷ پاسخ کم، ۱۱۹ پاسخ متوسط، ۲۲۷ پاسخ زیاد و ۲۴۹ پاسخ خیلی زیاد داده شده است. بنابراین ۷۱٪ آزمودنی‌ها پاسخ موافق، کاملاً موافق، زیاد و خیلی زیاد را انتخاب کرده‌اند و این نشان می‌دهد که عوامل مهاجر و راهکار بازگشت آنها مطرح شده توسط محقق، به وسیله درصد بالایی از پاسخ دهندگان مورد تأیید قرار گرفته است.

ستون مد در جدول شماره ۱ و ۲ نشان می‌دهد که اکثریت قریب به اتفاق پاسخ دهندگان گزینه موافق و زیاد را با امتیاز بندی لیکرت ۴ با فراوانی ۱۴ انتخاب کرده‌اند. موضوع مجدداً مورد تأیید قرار گرفت که عوامل طرح شده در پژوهش مهم‌ترین عناصر موثر در مهاجرت نخبگان دانشگاهی از استان مازندران می‌باشد.

تجزیه تحلیل آماری

برای جمع آوری اطلاعات مورد نظر از پرسشنامه دو قسمتی استفاده شده است. قسمت اول پرسشنامه که مشخصات فردی آزمودنی‌ها، از جمله مدت اقامت، محل اقامت مشخص شد و در قسمت دوم، پرسشنامه‌های با ۲۵

درخشان در مراکز دانشگاهی استان مازندران موجب جذب آنها می‌شود. این راهکار با ۴۸٪ موافق، واریانس ۰/۵۴۷ و انحراف معیار ۰/۷۵۸ با اطمینان ۹۹٪ تأیید شد.

به‌طور کلی موارد زیر بیشترین نقش را در بازگشت نخبگان به استان خواهد داشت:

۱. بالا بردن ظرفیت‌ها و توانمندی‌های علمی، پژوهشی؛

۲. ارایه‌ی امکانات ویژه‌ی مادی و رفاهی به نخبگان؛

۳. تحکیم مناسبات و علایق اجتماعی و عاطفی نخبگان با علایق استانی و محلی؛

۴. افزایش سطح آموزش‌ها به ویژه دوره‌های تکمیلی در استان.

نتیجه گیری

از جمله تحولات مهمی که در چند دهه اخیر استان مازندران شاهد آن بوده، رشد سریع مهاجرت نخبگان از استان به کلان شهرهای بزرگ بوده است. این روند در استان‌های در حال توسعه و از جمله استان مازندران، ساختار جمعیتی نخبگان را دستخوش تغییرات اساسی نموده و باعث حرکت مداوم وسیع نخبگان از شهرهای کوچک به مراکز خدماتی و قطب‌های صنعتی و تحصیلی شده است. نتایج به‌دست آمده نشان می‌دهد که بیشترین انگیزه مهاجرت فراهم شدن زمینه‌های پیشرفت بوده است. دستیابی به وضعیت معیشتی بهتر و امکان ادامه تحصیل و دستیابی به رفاه بیشتر از نظر آزمودنی‌ها، تأثیر گذارترین عامل مهاجرت بوده است.

اطلاعات به‌دست آمده از جداول نشان می‌دهد که ساختار مدیریتی ضعیف، روابط بوروکراتیک تعریف نشده و ضعف کارآمدی آنها، منجر به خستگی نیروی انسانی خلاق و با دانش شده و آنها را مجبور به انتخاب گزینه گریز یا انزوا می‌نماید. همچنین یافته‌ها نشان می‌دهد که جابجایی بیش از حد افراد علاوه بر سلب قدرت تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی مسئولان شده و گاهی موجب شکل‌گیری فضای عدم همکاری در میان آنها شده است.

یافته این پژوهش نشان می‌دهد که هر چه توزیع نا برابر فرصت‌ها در میان شهرها و کلان شهرهای کشور

که علل مهاجرت مندرج در گویه "۱۱" از طرف آزمودنی‌ها مورد تأیید قرار گرفت که ۵۸٪ با درجه موافقم و ۳۸٪ با درجه کاملاً موافقم علل مهاجرت را در فراهم شدن زمینه‌های پیشرفت مطرح کرده اند.

اطلاعات به‌دست آمده نشان می‌دهد که مهاجرین از میان گزینه‌های مختلف گزینه غیر بومی بودن مدیران ارشد استان (۶۵٪) با واریانس ۱/۳۰۰ و انحراف معیار ۱/۴۰ علل مهاجرت ذکر مطرح کرده اند. ۳۵٪ از پرسش شونده‌گان بی توجهی مدیران به نقش و عملکرد نخبگان (گزینه ۹) را انتخاب کرده اند.

بیشترین همبستگی پاسخ‌ها مربوط به سوال شماره ۱۶ (عدم به‌کارگیری نخبگان تحصیل کرده در شهرهای کوچک) با واریانس ۳/۸۹ و انحراف معیار ۰/۹۶۲ می‌باشد. بررسی‌ها نشان می‌دهد که ۴۰٪ از مهاجرین با انتخاب سوال ۵ (کمبود امکانات آموزشی) را علت مهاجرت خویش ذکر کرده اند.

بررسی راهکار بازگشت نخبگان

راهکار اول: در بین ۴ راهکار بازگشت نخبگان به استان مازندران بیشترین میانگین (۴/۳۲) مربوط به گویه شماره ۲۲ (تأمین امکانات و تجهیزات لازم برای مراکز دانشگاهی و تحقیقاتی و به روز کردن آنها نظیر رایانه، آزمایشگاه، کتاب خانه و... در بازگشت نخبگان موثر است)، بنابراین، تأمین و تهیه امکانات علمی و تحقیقاتی در میان سایر عوامل در بازگشت نخبگان موثر خواهد بود.

راهکار دوم: حمایت اساسی از محققان و نخبگان و برآورده کردن نیازهای منطقی آنها باعث برگشت نخبگان خواهد شد. این گویه یا میانگین (۴/۲۵) واریانس ۰/۳۱۶ و انحراف معیار ۰/۷۸۳ مورد تأیید قرار گرفت.

راهکار سوم: ایجاد و توسعه‌ی مراکز علمی و فرهنگی در استان و به وجود آوردن زمینه‌های مناسب برای رشد و ایجاد رقابت برای نخبگان، موجب بازگشت آنها خواهد شد که آزمون همگرایی X^2 با اطمینان ۹۹٪ با طرح سوال مشابه رضایی یکسان بودن است.

راهکار چهارم: ایجاد و گسترش دوره‌های دکترا و فراهم ساختن امکانات بورسیه بر اساس استعدادهای

بیشتر باشد، احتمال افزایش مهاجرت هم وجود دارد. در حقیقت، میان سطح توسعه شهرها و جذب مهاجرین رابطه معنا داری وجود دارد و رهیافت حل این مشکل آن است که برای خروج از بحران مهاجرت نخبگان به تحول ساختاری در ابعاد اقتصادی، اجتماعی نیازمندیم. ما در برابر جاذبه‌های مقصد توانایی انجام هیچ کاری را نداریم و حق هر انسانی است که در جستجوی پیشرفت و افزایش درآمد و رفاه زندگی خویش باشد. اما ما می‌توانیم با کاهش دافعه‌ها گزینه رفتن را حذف نماییم.

اطلاعات به دست آمده از جداول آماری نشان می‌دهد که مهاجرت رابطه مستقیمی با فرصت‌های شغلی دارد و هر چه فرصت‌های شغلی بیشتری داشته باشد امکان جذب مهاجرین بالاتر است. منابع انسانی جذب مناطقی می‌شوند که ابزار بهره‌وری و شکوفای در اختیار آنها قرار می‌گیرد. در زمینه راهکارهای پیشنهادی این تحقیق برای بازگشت نخبگان، حمایت اساسی از محققان و برآورده کردن نیازهای اساسی و حیاتی آنها و حمایت همه جانبه از سوی تصمیم‌گیرندگان بالاترین عامل در جهت جذب آنها محسوب می‌شود.

به نظر می‌رسد با تغییرات جهانی رخ داده، دیگر زمان کاربر گزینه‌های اجباری یا بازدارنده گذشته باشد و گزینه استفاده از تشویق و ایجاد روحیه همکاری با نخبگان و برآورده کردن مطالبات آنها دارای مطلوبیت بیشتری داشته باشد.

تشکر و قدردانی

بدین وسیله از حمایت مالی معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد سوادکوه در انجام طرح پژوهشی مهاجرت نخبگان کمال تشکر و سپاسگزاری را دارم.

منابع:

۱. ارشادی، فرهنگ (۱۳۸۰)، مبانی نظری فرار مغزها بر حسب شکل‌های مختلف آن در شرایط کنونی، نامه انجمن جامعه شناسی ایران، ۵، ۴۵-۵۰.
۲. ازغندی، علیرضا (۱۳۷۶)، نخبگان سیاسی بین دو انقلاب، تهران نشر قومس
۳. خلیلی، رضا، مهاجرت نخبگان در عصر اطلاعات بازاندیشی فرصت‌ها و تهدیدها و راهکارها، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال چهارم، شماره ۴،

زمستان ۱۳۸۰.

۴. ذاکر صالحی، غلامرضا (۱۳۷۹)، مهاجرت نخبگان، دفتر مطالعات فرهنگی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.

۵. رفیع پور، فرامرز (۱۳۶۰)، کندو کاوها و پنداشته‌ها، تهران: نشر سهامی انتشار.

۶. زنجانی، حبیب (۱۳۸۰)، مهاجرت، تهران: نشر سمت

۷. طباطبایی، شریفی (۱۳۸۵)، بررسی گرایش به مهاجرت در اساتید دانشگاه، پژوهش نامه علوم اجتماعی گرمسار، شماره اول

۸. عسگری، کامینگر (۱۳۷۶)، فرار مغزها، مترجم مجید محمدی، تهران، نشر قطره

۹. فیندلی، سلی (۱۳۷۲)، برنامه‌ریزی مهاجرت‌های داخلی، مترجم عبدالعلی لهسایی زاده، انتشارات مروارید.

۱۰. لهسایی زاده، عبدالعلی (۱۳۶۸)، نظریات مهاجرت، شیراز، انتشارات نوید

۱۱. مسی، برون، نظریه مهاجرت بین‌المللی، بازنگری و ارزیابی، مترجم پریدخت وحیدی، گزیده مسائل سیاسی اقتصادی، اجتماعی ۹۴-۱۳۴

۱۲. وقوفی، حسن، (۱۳۸۰) فرار مغزها بررسی مهاجرت نخبگان از زوایای مختلف، تهران: انتشارات زهد.

1.F.H. Harbison (1973) *Human resources as the wealth of nation*, Oxford university press.p.3.

2.Jansen (1969) *A theory Of Migration*. - Lee, E.S. (1966) " *A Theory of Migration*", *Demography* Vo 1.3.No.1.

3.Iom, (2003) ; *world migration 2003: managing migration: challges and responses for people on the move (Geneva: Iom) P.P.8-9*

4.Iom, (2003): *Lanour, migration in Asia: Trends, Hallenges and policy responses in countries of origin*. Geneva: Iom.

5.Meyer , Tean and Batisteed , beown , (1999), *Scientific Diasporas: A new approach to the Brain Drain* , unesco hungry , 26 tun , 1 juy

6.Iom, (2008): *Helth and migration: Brinding The GAP* Geneva: